

ایران

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- سردبیر: هادی خسروشاهین

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۴۸۸۹۲-۸۸۵



«ایران» رادر صفحه های مجازی دنبال کنید

اندیشیدن و فهمیدن سودمندتر است از تکرار بسیار و درس گرفتن.



غزلرحکم و دررالکلم، ح ۶۵۴۴

بهترین صدا در سینما سکوت است

سال ۱۳۲۲ در تهران متولد شدم و به گونه ای رشد کردم که پیش از سال های دبیرستان با سینمای ایران آشنا بودم و خانواده های را می شناسم که از جمله سینما داران و تهیه کننده های مطرح سینمای ایران بودند. اولین فیلمی که در سینما دیدم «میلیونر» نام داشت و بازیگر خانم آن زندک یاد شهلا ریاحی بود که متأسفانه از میان ما رفته است. او همسایه ما بود و این موضوع برای من بسیار جالب به نظر می رسید، زیرا ابعاد واقعی او با آنچه روی پرده دیده می شد بسیار متفاوت بود و این موضوع دارای نوعی خاصیت جادویی برای من بود. بعدها به این نتیجه رسیدم که سینما مقوله ای مهم است و بدون عمق نگاه نمی توان به آن نزدیک شد. سینما یک هنر شخصی نیست بلکه امری محسوب می شود. بهترین صدا در سینما سکوت است، اگر صدایرداری موفق به ضبط صدای سکوت شوی، می توانی ادعا کنی صدایردار خوبی هستی. صدای زمانی شنیده می شود که سکوت شکسته شود.

نقل قول

برشی از گفت و گوی «نظام الدین کیایی» صدایردار پیشگوت سینما با موزه سینما



سریال جدید سعید سلطانی

سریال ساز سابق تلویزیون، کارگردانی یک مجموعه نمایشی را در شبکه نمایش خانگی برعهده گرفت. سعید سلطانی قرار است مجموعه نمایش خانگی «حضرت اجل» را برای پخش از شبکه نمایش خانگی کارگردانی کند. بنا بر اعلام پلتفرم پخش کننده، این سریال در سال ۱۴۰۴ به انتشار خواهد رسید. محمدرضا تخت کشیان، تهیه کننده آثاری چون «زخم کاری» و «مگه تموم عمر چند تا پاره؟» به عنوان تهیه کننده این سریال معرفی شده و سعید سلطانی نویسنده فیلمنامه آن است. **همشهری آنلاین**



نودمین سالگرد تولد «داریوش شایگان»

به مناسبت نودمین سالگرد تولد «داریوش شایگان»، هفتمین نشست گروه جامعه پژوهی صلح انجمن علمی مطالعات صلح ایران با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی با موضوع «داریوش شایگان» در خانه اندیشمندان مدرنیت، معنویت و صلح در اندیشه دکتر علوم انسانی برگزار می شود. این نشست دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۶:۳۰ در تهران، خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن حافظ برگزار می شود و حضور برای عموم آزاد و رایگان است. **خبر آنلاین**



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفدهمین دوره اختتامیه جایزه جلال آل احمد

ادبیات ملی، روایت وفاق است

می داند و ملت را مقابل خرده فرهنگ های درون خودش قرار نمی دهد. ادبیات ملی ادبیاتی است که خرده فرهنگ اقلیم و اقوام مذاهب و ادیان را به عنوان اجزای ملی خود تلقی و با آن همراهی و همسازی می کند. او ادامه داد: «این مؤلفه ها، مؤلفه های ادبیات ملی هستند و جایزه جلال تأسیس شده است برای پاسداشت این ادبیات ملی که در نوشتار جلال مشهود بود. او یک ادیب ملی بود. ما می توانیم با برخی از آرای جلال همراه یا منتقد آن باشیم اما او یک ادیب ملی تمام عیار بود. او آن زمان که دید حزب توده در ضمن همبستگی ملی فاصله پیدا می کند راه خود را جدا کرد چون دید یک ادیب ملی با این فضای ناهمخوان با همکاری ملی همراه نمی شود.»



گزارش

ادبیات: ضامن ارزش های اخلاقی های انسانی
محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر ارشاد نیز در این مراسم با تأکید بر اینکه ادبیات، خود فرهنگ و فرهیختگی است، گفت: «پرداختن به ادبیات ضامن پرورش ارزش ها و اخلاق های انسانی است. امیدوارم که این دوره از جایزه تقدیری باشد از عزیزانی که با آثارشان کمک کردند تا ما این رویداد مهم را برگزار کنیم.» رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نیز در بخش دیگری از این مراسم گفت: «فضای جدید برگرفته از فناوری های به روز از جنبه منفی کتاب را کنار گذاشته و تنها حوزه ادبیات است که کمترین تأثیر را از این فضاها شاهد بوده است. کتاب در حوزه ادبیات، رمان و شعر همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است و آثار ادبیات همچنان پرفروشند.»
غلامرضا امیرخانی به ارتباط جلال با کتابخانه ملی اشاره کرد و گفت: «این جایزه به نام جلال آل احمد است. دوستان صمیمی جلال ناگفته هایی از این فرهیخته ادبی ایرانی در اختیار ما قرار داده اند که امید دارم کتابخانه ملی افتخار نشر این خاطرات ناگفته را از جلال داشته باشد.» بعد از قرائت بیانیه شورای علمی این دوره از جایزه جلال از سوی مسعود کوشری، دبیر علمی این دوره، برگزیدگان و شایستگان تقدیر بخش های چهارگانه معرفی شدند. در بخش مستندنگاری، کتاب «خاک کارخانه؛ پارچه های ناتمام جیت سازی بهشهر و سرگذشت آخرین کارگران» نوشته شیوا خادمی از نشر اطراف شایسته تقدیر دانسته شد. در بخش نقد ادبی، کتاب «دیرش روالی» نوشته بهمن ناموظعلق از نشر سخن به عنوان شایسته تقدیر معرفی شد.
در بخش داستان کوتاه کتاب «آن پری زاد سبزیپوش» نوشته صمد طاهری از نشر نیمز برگزیده شد و کتاب «برنده باز تهران» نوشته ندا رسولی از انتشارات هیلا شایسته تقدیر شناخته شد. در بخش داستان بلند رمان، کتاب «سنگ اقبال» نوشته مجید قیصری از نشر چشمه برگزیده شد و کتاب های «دختران قریب الیه جنگ» نوشته جواد افهقی از انتشارات خط مقدم و «دم آسبی» نوشته رامبد خالری از نشر بان شایسته تقدیر شناخته شدند.

عکس نوشت



اولین تصویر از فیلم «صیاد» به کارگردانی جواد افشار منتشر شد؛ فیلمی که قصه آن زندگی شهید صیاد شیرازی است که چهره و کریک علی سربانی در این عکس خود گواه بر قصه فیلم است. اما یک نشانه در این قاب بود که آن را به نقطه کانونی عکس بدل کرد. سر همسر شهید صیاد بر شانه های اوست که در کنار دو فرزندش، تصویر صمیمی و عاشقانه از یک خانواده را بازتاب می کند. همسر شهید صیاد در این فیلم، در واقع مرال بنتی آدم همسر علی سربانی تا این زوج واقعی به زوج هنری هم تبدیل شدند و تصویر رئالیستی و واقع گرایی از یک فیلم زندگی نامه ای شکل بگیرد. فقط حضور این زوج بازیگر در فیلمی زندگی نامه ای با روایت های باورپذیر از روابط شهید صیاد و همسرش خلق می کند که می تواند فیلم را تماشاگرانی را جذب کند.

یک قاب همسرانه

نگاره اتحاد رمز پیروزی



طراح: ناتالی لیز

در یک جمله می توان گفت تمامی وسایلی که با آنها بنا بوده است بشریت اخلاقی شود، از بیخ و بن غیر اخلاقی بوده اند.

غروب بت ها نیچه

از این سو و آن سو

خبر آمد خبری در راه است



«علی قاصری»، آهنگساز پروژه تار ایرانی با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش از استقبال خوب مخاطبان از کنسرت کرمان خبر داده و در این باره نوشته: خوشحالم که اجرای کرمان و تهران با استقبالی گرم مواجه شده اند. در جنوب و شرق تهران بیش از ۹۰ درصد کنسرت ها، یاب هستند و این موضوع ناخوداگاه به تلاشی برای دور کردن اهالی این دو ناحیه از هنر ایرانی تبدیل شده است، در حالی که باور دارم مردم ایران در هر نقطه از کشور، به هنر ایرانی شوق بنیادین مبتنی بر ریشه های عمیقشان دارند و اگر برخلاف این امر به نظر برسد حتماً مشکل از سوءمدیریت است، من به تمرکززدایی فرهنگی اعتقاد ندارم، به تبدیل کردن سطح و جنس ارائه هنر و خدمات در همه مناطق به اندازه مناطق متمرکز اعتقاد دارم. نباید از یک جا کاند و به دیگری اضافه کرد، باید از یک جا الگو گرفت و در دیگری بذر متناسب را کاشت... اشکال سیاست تمرکززدایی در متوسط سازی پنهان آن است. آبی بزرگ یک محدوده را به همه جا اهدا کنیم، چیزی از آبی باقی نمی ماند... باید رنگ ساخت...
من می گویم، شایسته را حفظ کنیم و در جایی دیگر شایسته ای دیگر تعریف کنیم و بسازیم.
باور من به این شوق بنیادین مردم و لزوم اشاعه موسیقی ایرانی در نواحی، مرا به انتخابی نامتعارف و شاید کمی پرریسک، برای اجرای تازه مان تشویق کرد.
در همین چند ساعت با واکنش هایی مواجه شده ایم... به هنر دوستان قول می دهم با چنان شکوهی در این سالن زیبا و خطه اصیل تهران روی صحنه می رویم که چشم ها و گوش ها با تجربه ای تازه از موسیقی ایرانی همراه شوند. ممنونم که برای ما از هر نقطه دنیا آرزوی خوبی می فرستید.

تکه ای از یک واقعیت تلخ

«شبنم مقدمی»، هنرپیشه تئاتر و تلویزیون با انتشار متنی در صفحه اینستاگرامش نوشت: هنوز خوشبخت درست و حسابی نشسته پشت کوه های مغرب، مه که خودشو جمع و جور می کرد از روی تالاب کوچک وسط جنگل که بره چپسبه به ابیاری آسمون، برنده ها که پسر رسوا در میزند سمت لونه ها شون یهو صدای نخرشیده اره برقی از دور، سکوت و آرامش غروب جنگل رو تیکه پاره کردن... محلیا می گفتن کار هر شربه، دارن قاچاقی درخت میبرن و میبرن... سیرمونی ام ندانن، آنقدر میبرن و میبرن که جنگل تموم شه...
اینکه نوشتم تکه ای از به داستان نیست واقعیت تلخیه که شاهدش بودم... که شاهدش هستیم... مدت ها است.
مثل همیشه با خودم فکر کردم چطور ممکنه؟! چطور ممکنه آدم نادون یا امروز و فردا شون چه میکنن؟ ندونن چه ظلمی میکنن به خودشون و فرزندانشون؟ چطور میشه به هیچ چیز فکر نکرد؟ چطور میشه این طور به هیچ اصولی پایبند نبود؟ کی تموم میشه این همه سودجویی؟ وقتی همه جنگل رو خوردن و تموم شد؟ آیا هیچ راهی برای کنترل این شرایط وجود نداره!؟

دیدگاه

روزنامه نگاری و چرخش فرهنگی

روزنامه نگاری به مثابه یک حرفه و هویت رسانه ای همواره با سیاست گره خورده است، چنانکه در افکار عمومی، روزنامه نگار را اغلب به عنوان یک کنشگر سیاسی می شناسند و روزنامه نگاری را در ذیل مشاغل یا فعل سیاسی تعریف می کنند. این در حالی است که روزنامه نگاری بیش از آنکه در نسبت با سیاست تعریف شود، در قلمرو فرهنگ قرار می گیرد و اساساً امر فرهنگی است. این به معنای انکار یا بی اهمیتی سوبه های سیاسی روزنامه نگاری نیست که این رکن چهارم دموکراسی همواره بر عملکرد قدرت، نظارت داشته و با پرسشگری از اصحاب قدرت، به نقد و تحلیل و روایتگری سیاسی دست می زند اما همین نقد هم دربستر کنش فرهنگی صورت بندی می شود. به این معنا روزنامه نگار فعال سیاسی به معنای تعارض نیست که در زمین قدرت بازی کند، بلکه کنشگری است که ابزار کارش قلم و کاغذ و نوشتن و اندیشیدن است و همه اینها مصادیق کنش فرهنگی است. در واقع در درون این کنشگری فرهنگی است که روزنامه نگار به روایت سیاست و مناسبات آن می پردازد. دکتر عارف در دیدار از روزنامه ایران به مناسبت سی سالگی اش، بر همین نکته تأکید کرد و با ابزار تأسف از اینکه در دوره های بی اولویت نگاه فرهنگی بی اعتنا بوده ایم، یکی از رسالت های رسانه را نشر اقدامات فرهنگی در جامعه دانست. به گفته عارف: «رسانه ها باید مستقل باشند، امروز جامعه ما با چالش های فرهنگی و اجتماعی جدی روبروست، بنابراین باید نگاه سیاسی را کنار گذاشت و با نگاه فرهنگی با آنها مواجه شد.» آنچه در سخن دکتر عارف برجسته و تأکید شده نه حذف و انکار یا بی ارزشی امر سیاسی در روزنامه نگاری که نگاه فرهنگی به مقوله روزنامه نگاری است. در این نگاه، صرف صورت رویدادها و سطوح ظاهری آنها لحاظ نمی شود بلکه عمق میدان بیشتری در تحلیل و تفسیر وقایع و رویدادها در نظر گرفته شده که به شکل ریشه ای تری به فهم و بازتابی پدیده ها دست می زند. واقعیت این است که در جامعه امروز مسائل فرهنگی همچنان در کانون مناقشات زیست ایرانی قرار دارد و بسیاری از بحران ها و باطنی گشایش ها در بستر فرهنگ و تجربه های فرهنگی شکل می گیرد. امروزه هم در محافل آکادمیک و هم نهادهای دیپلماتیک، هرشکلی از نظریه پردازی با سیاست گذاری به یک پیوست فرهنگی گره خورده و با فهم و تحلیل فرهنگی صورت بندی می شود. امروزه حتی نهاد دولت و دولت مداران که بالاترین وجهت و موقعیت سیاسی را دارند از اهمیت فرهنگ و نگرش فرهنگی حرف می زنند. نمونه بارز مسعود پزشکیان که در مناظره های انتخاباتی خود گفته بود: «تلاش خواهم کرد دولت من دولت فرهنگی باشد، نه اینکه فرهنگ را دولتی کنیم؛ تلاش خواهم کرد امنیت فرهنگی را برای اهالی فرهنگ تضمین و از مداخله نهادهای غیرمستول جلوگیری شود. تلاش حداکثری برای بازسازی اعتماد و امید در اهالی فرهنگ خواهم کرد.» وقتی صحبت های رئیس جمهوری را با سخنان معاون اول او در کنار هم قرار می دهیم حاصلش یک چیز است. روایت دو سیاستمدار از ضرورت و منزلت فرهنگ. بدیهی است روزنامه نگاری یکی از آن ساحت ها و البته مشاغل است که بیشترین نسبت را با امر فرهنگی و کنش فرهنگی دارد. از این حیث نه فقط خبرنگاران و روزنامه نگاران حوزه فرهنگ که همه روزنامه نگاران در حوزه های مختلف به مثابه کنشگران فرهنگی شناخته می شوند که باید از منظر فرهنگ به تحلیل و تفسیر و اطلاع رسانی و هر آنچه که رسالت روزنامه نگاری است بپردازند. روزنامه نگاری ذیل پارادایم فرهنگ یعنی فهم پذیر کردن رویداد در جامعه در نسبت با تحلیل فرهنگی. امروز دیگر سخن از اقتصاد به تنهایی نیست بلکه اقتصاد فرهنگ گفتمان غالب است. امروز سخن از سیاست فرهنگی است نه سیاست به مثابه امری صرفاً دیپلماتیک. حتی امروز در روابط بین الملل اهمیت دیپلماسی فرهنگی بیش از دیپلماسی عمومی شده است. همچنان که در عرصه سیاست داخلی هم سخن از ضرورت حکمرانی فرهنگ در فرهنگ حکمرانی است. بر این اساس روزنامه نگاری در جهان و جامعه امروز در ذیل چرخش فرهنگی به مثابه گفتمان غالب رسانه ای چارهای ندارد که فرهنگ را میانجی ارتباط با مخاطبان خود قرار دهد. به قول پیرام بیضایی جهان را چاره ای جز فرهنگ نیست.



رضا صانعی
دبیر گروه فرهنگ

روزنامه نگاری در جهان و جامعه امروز فرهنگ به مثابه گفتمان غالب رسانه ای چاره ای ندارد که فرهنگ را میانجی ارتباط با مخاطبان خود قرار دهد